

تحول شهری اصفهان از دوران سلجوقی به ایلخانی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۳۹۰۵۰

سیده سارا محمدی^۱

چکیده

شهر اصفهان پس از فتح مسلمانان جی نام گرفت و در دوره سلجوقیان اصفهان به دلیل اهمیت جغرافیایی، سیاسی به عنوان پایتخت برگزیده شد و در این دوران کالبد شهری همانند میدان مرکزی شهر و عناصر شهری از قبیل بازار، مسجد، ارگ و کاخ ملکشاه شکل گرفتند. با حملات مغولان به ایران در اوایل قرن هفتم، اصفهان به عنوان شهری مهم از نظر سیاسی و تجاری در مرکز ایران هم پای دیگر شهرهای ایران در برابر حملات ویرانگر مغولان آسیب فراوان دید. با تشکیل دولت ایلخانی (۵۶۵۶ ق.م) اصفهان هر چند مانند ایالت خراسان و آذربایجان اهمیت نیافت اما در این دوران نائبانی از طرف حاکم وقت هر از گاهی اصفهان را به عنوان کرسی قدرت برمی‌گزیدند و در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر تغییراتی ایجاد می‌کردند، پژوهش پیش رو با به کارگیری روش توصیفی و تحلیلی درصدد است علاوه بر بازسازی فضای شهری اصفهان در دوران سلجوقی به تغییر و تحولات شهری اصفهان در دوران ایلخانی با تکیه بر متون تاریخی بپردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

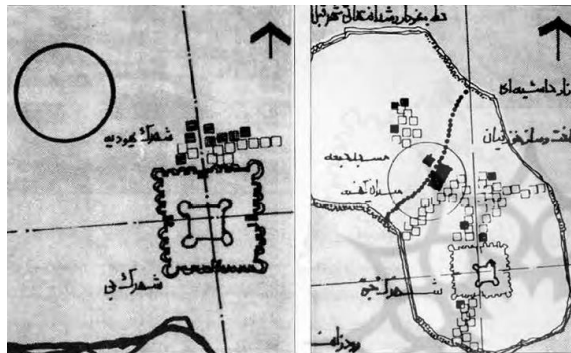
واژگان کلیدی: اصفهان، دوران سلجوقی، دوران ایلخانی.

۱- دانش آموخته دکتری باستان شناسی، گرایش دوران اسلامی (Smohammadi66@alumni.ut.ac.ir)

اصفهان یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین شهرهای ایران است که به علت کثرت بناهای تاریخی شهرت جهانی دارد. تاریخ بنای این شهر معلوم نیست ولی آنچه مسلم است نام قدیمی اصفهان تا قبل از دوره هخامنشی انزان بوده و پس از آن به گایبان تغییر نام داده است. شهر اصفهان پس از فتح مسلمانان جی نام گرفت و قرن‌ها در حیطة نفوذ خلفای بغداد، سلاطین آل زیار، آل بویه و سلجوقیان بود و بناهای زیبا و جالبی از این دوران در این شهر به یادگار مانده است. با توجه به اینکه در خصوص اصفهان و شهرسازی آن پژوهش‌های متعددی انجام یافته است، لیکن پژوهش منسجمی در خصوص تحولات شهری دوران سلجوقی به ایلخانی صورت نگرفته؛ پژوهش پیش رو درصدد بازسازی فضای شهر و تاریخی این شهر در دوران سلجوقی تا ایلخانی بر اساس متون تاریخی بپردازد.

۲- شهرسازی اصفهان از سلجوقی تا ایلخانی

با توجه به آنچه در خصوص شهرسازی اصفهان در دوره سلجوقی آمده است می‌توان بیان نمود که شهر از دو بخش تشکیل شده است: قزوینی می‌گوید: شهر قدیم اصفهان را «جی» نامند و گویند اسکندر بانی او است و شهر بزرگتر را «یهودیه» گویند. جهت آن، آن است که بخت النصر، یهود بیت المقدس را اسیر کرد تا به اصفهان آورد، یهود در آن مکان ساکن شدند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۷).



تصویر ۱- شهرسازی اصفهان در دوره سلجوقی

جابر انصاری در ایجاد بنای شهر اصفهان، یهودیان را بانی و پایه گذار این شهر ندانسته و بنای آن را به پادشاهان افسانه‌ای و ملی ایران نسبت داده است «اصفهان از دو قسمت «یهودیه» و «مدینه» تشکیل شده است و مدینه (جی) در نزدیکی یهودیه بوده که دژی بلند و در پایین آن پلی بزرگ بوده است» (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۲).

۲-۱- جی

یکی از بهترین روستاهای اصفهان روستای «جی» است که املاک خوب و دیهه‌های بسیار دارد، و به گفته برخی به شماره روزهای سال است. گویند: اسکندر آنگاه که حصار شهرستان را می‌ساخت ۳۶۵ برج، برای هر ضیعه‌ای یک برج، بنا کرد تا به هنگام آشوب در آن متحصن شوند و موقع محاصره و غلبه اشرار پناهگاهی برای مردم باشد زیرا نواحی اصفهان در روزگار قدیم با ترک و دیلم هم مرز بود. از روستاهایی که پیرامون اصفهان را فراگرفته اند لنجان، مهرین، جنبه، کراج، کدر، که کاوسان، برخوار و برآن است. این روستاها ضیعه‌های بزرگ پرجمعیت و نیز غلات فراوان دارند و برخی منبر و خطیب و بازارها و گرمابه‌ها نیز دارند (ابن حوقل ۱۱۱-۱۰۸، ۱۳۶۶). نام «جی» در نوشته‌های جغرافی دانان مسلمان (از سده سوم ه.ق به بعد)، همه جا به عنوان یکی از روستاها یا مراکز شهری بزرگ «اصفهان» ذکر شده است (رجایی، ۱۳۸۸: ۵۹). «میر سید علی جناب» (مؤلف «الاصفهان» در اواسط سده ۱۴ ه.ق)، جایی که از «بلوکات اصفهان» سخن می‌راند، گفتاری نیز درباره «جی» دارد: «جی» در قدیم، نام پایتخت مملکت اسپهان بوده درحالی‌ه بلوکی است معروف که شهر «جی» در آنجا واقع بوده است؛ «جی» مشتمل است بر ۷۶ قراء و مزارع، آب و هوایش معتدل و شبیه به آب و هوای ماریین است. مرزهای این کنی یهودی‌نشین در اصفهان را می‌توان از فهرست روستاهایی که پیرامون آن واقع بوده و این روستاها عبارت بودند از: فرسان، یوان، خُرجان، فلفلان، سُبُلان (چُملان)، کَمَآن، اَشکهان، جروآن (کروآن) و خُشینان (جناب، ۱۳۰۳: ۱۷۱).

۲-۲- یهودیه

درباره «یهودیه» و حضور یهودیان در اصفهان، روایات مختلفی آمده است. «مقدسی» (۳۴۵-۳۸۱ ه.ق) گویند: «چون «بخت النصر» یهودیان را از «بیت المقدس» کوچانید (سده ششم پیش از میلاد)، یهودیان شهری که به سرزمین خودشان همانند باشد غیر از اصفهان نیافتند و در آنجا فرود آمدند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۱۶). در رساله «شهرستان های ایران» که احتمالاً تدوین اولیه آن در اواخر دوره ساسانی انجام شده و تنها اثری به زبان پهلوی یا «فارسی میانه» است که موضوع آن منحصرأ جغرافیای شهرهاست، از شهرستان «گی» (جی)، که اسکندر آن را ساخته، به عنوان اقامتگاه جهودان یاد شده و چنین آمده است که:

«جهودان» را یزدگرد پسر شاپور (یزدگرد اول ساسانی، ۳۹۹-۴۲۰ م.)، به خواهش زن خویش «شیشین دخت» (شوشاندخت/سوسن) به آنجا آورد. «یهودیه» در حدود سال ۲۳ ه.ق با انعقاد قرارداد صلح تسلیم اعراب شد. برای یهود اصفهان به جز ابتدای خلافت عمر و یکی دو مورد طی حکومت عباسیان، محدودیت خاصی ایجاد نشد. در آن دوره بین دو محله مسلمان نشین «شهرستان» (جی) و یهودی نشین «یهودیه» دیوار کشیده شد، تا آن که سه سده پس از آن در زمان رکن الدوله دیلمی هر دو محله یکی شدند. با گذشت زمان، اندک اندک از بزرگی بخش کهن «جی» کاسته گردید و یهودیه بزرگتر شد چنان کهابن حوقل بغدادی می نویسد: «میان دو بخش اصفهان دو میل فاصله است. این دو بخش متباین هر کدام منبری دارد و یهودیه حدود دو برابر بزرگتر از شهرستان است». مقدسی با تکرار همین موضوع اشاره می کند که «یهودیه نه تنها با همدان همسری می کند بلکه بزرگترین شهر ایالت «جبال» است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۲). این رسته چنین بیان می کند که منطقه «جی» رستاق هائی که در شمارش به بیست عدد رسیده اند (این رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۰)، در میان این بیست روستاق، وی منطقه «جی» را «کرسی و مرکز اصفهان» دانسته؛ جایی که صاحب بازارهائی نیکو بوده است. پس می توان نتیجه گرفت که تا حدود سال های آخر قرن سوم هجری، منطقه «جی» و حوالی آن، تفوق انکار ناپذیری بر یهودیه داشته است.

۲-۳- تحولات عصر ایلخانی در جی و یهودیه

در سال ۵۹۰ هجری دولت سلاجقه عراق با قتل طغرل بن ارسلان آخرین پادشاه سلجوقی برافتاد و به قول صاحب تاریخ جهانگشای سلطان تکش بن ایل ارسلان خوارزمشاه در سال ۲۹۵ اصفهان را فتح کرد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۶). فتح اصفهان به دست مغول ها به واسطه دارابودن حصارى محکم مدت ها طول کشید.

با حملات مغولان به ایران در اوایل قرن هفتم بسیاری از مناطق ویران شدند. اصفهان به عنوان شهری مهم از نظر سیاسی و تجاری در مرکز ایران هم پای دیگر شهرهای ایران در برابر حملات ویرانگر مغولان آسیب فراوان دید. در اواسط قرن هفتم، مغولان در ایران سلسله ای به نام ایلخانی تشکیل دادند تا ضمن تسلط هر چه بهتر بر مناطق فتح شده از مزایای اقتصادی و اجتماعی هر ناحیه بهره مند شوند. اصفهان در دوران ایلخانی (۶۵۶ ه.ق) هر چند مانند ایالت خراسان و آذربایجان اهمیت نیافت اما در عراق عجم جایگاهی ویژه یافت در این دوران نائبانى از طرف حاکم وقت ایلخانی به ایالت عراق عجم رهسپار می شد و ایشان هر از گاهی اصفهان را به عنوان کرسی قدرت برمی گزیدند و در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر تغییراتی ایجاد کرد. بهاءالدین محمدجوینی از سال ۶۶۳ ه.ق تا ۶۷۸ ه.ق در اصفهان نایب حاکم ایلخانی بود و نظم و ثبات خاصی به شهر بخشید حاکمان دیگری نیز در مقاطع مختلف زمانی در اصفهان زمامداری کردند و تغییراتی را در عرصه های اجتماعی، اقتصادی شهر ایجاد کردند. (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۶).

در قرن هشتم ابن بطوطه (۷۰۳-۷۷۹ ق.) به مدت چهارده روز مسافر اصفهان بوده است که از اختلافات مذهبی میان شیعیان و سنیان شهر نالیده که شهر زیبای اصفهان را به ویرانی کشانیده بوده است: «اکنون قسمت زیادی از آن، در نتیجه اختلافاتی که بین سنیان و شیعیان آن شهر به وقوع می پیوندد، به ویرانی افتاده است. این اختلافات، هنوز هم ادامه دارد و مردم آن شهر، دائم در منازعه و کشتار به سر می برند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ج ۱، ۶۴۲).

شمس الدین دمشقی در قرن هشتم اشاره می کند که: «اصفهان، دو شهر است؛ یکی کهن که بیش تر آن ویران گردیده و «جی» خوانده می شده و سپس «شهرستان» نام یافته است و بر کناره رود زنده رود بنا گردیده است و دیگریکه آبادان است یهودیه خوانده می شود؛ این شهر را حومه ای است که نوزده روستا دارد و در هر روستائی بیش از سیصد آبادی است» (دمشقی، ۱۳۵۷: ۲۱۳). نویسنده، به روشنی بر ویرانی «جی» و شکوفائی «یهودیه» و اقبال آن در آغاز قرن هشتم انگشت نهاده است حمد الله مستوفی نیز از آنجا که نویسنده در دستگاه حکمرانان مغول مشغول به کار بوده، گزارش بسیار دقیقی از میزان مالیات دیوانی و تعداد آبادی ها و مسافت راه ها به دست داده است.

اصفهان عصر مستوفی، با آن که خرابی های دهشتناک عصر مغول را پشت سر نهاده بود، با این حال چهل و چهار محله داشته. ولایت، به هشت ناحیه و چهارصد دیه تقسیم می شده. بدین قرار که ناحیه «جی»، هفتاد و پنج پاره ده داشت و ماربین، پنجاه و هشت تا؛ کراچ سی و سه پاره، قهاب چهل پاره، برخوردار سی و دو پاره، لنجان بیست پاره، برا آن هشتاد پاره و سرانجام، رو دشت که دارای شصت پاره ده بود. مستوفی در ذکر هر ناحیه، دیه های معظم آن را آورده و سپس اضافه کرده است: «این دیه ها را که معظم قرای می خوانیم از آن هاست که در دیگر ولایات، شهر خوانند. زیرا که در هر یک از آن دیه ها، کما بیش هزار خانه باشد و بازار و مساجد و مدارس و خانقاهات و حمامات دارد» (مستوفی، ۵۵-۴۵: ۱۳۶۶).

شاید اطلاعات دیوانی، مستوفی را بدین آگاهی رسانده باشد که «زلزله و بارندگی و صاعقه که موجب خرابی باشد، در او کم تر اتفاق افتد... و در او بیماری مزمن و وبا کم تر بود». مستوفی، مانند ابن بطوطه مردم اصفهان را «سفید چره و مردانه» دیده است و البته سریع به سراغ حقیقت تلخ تاریخ اجتماعی آن دوره اصفهان رفته و با این آگاهی که بیش تر مردم اصفهان سنی و شافعی

بوده‌اند، افزوده: «اما پیش‌تر اوقات باهم در محاربه و نزاع باشند و رسم دو هوائی هرگز از آن‌جا بر نیفتد و همهء خوشی‌های آن شهر، در هنگام اظهار دو هوائی با ناخوشی آن فتنه مقابل نتوان کرد» (مستوفی، ۱۳۶۶: ۵۵).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان اظهار نمود که در مدت سلجوقی تا ایلخانی شهر اصفهان دگردیسی عجیبی داشته؛ بدین شکل که آنچه از شهر اصفهان اراده می‌شد، در طی این مدت از منطقهء محصور «جی» به منطقهء گسترش یافتهء یهودیه یعنی یهودیه و شهرک‌های اقماری آن، اطلاق می‌شود. جایی که در سده‌های نخستین اسلامی یعنی زمان خلافت منصور عباسی، سنگ بنای آن نهاده شد و با چسبیده شدن به منطقهء مسکونی «یهودیه» و مستحیل شدن روستاهای اطراف، ساختار شهری و هویت یکسانی یافت و «اصفهان» نامیده شد. اوضاع بدین نحو بود تا زمانی که تیمور، اولین شوک جمعیتی را بر اصفهان وارد آورد و پس از آن، دوره اوج این شهر به سال ۶۰۱ ق و پایتختی پرشکوه صفویه از راه رسید (نگارنده).

۲-۴- راه‌های تجاری اصفهان در دوران مغول

اصفهان در دوران هشتاد ساله ایلخانی از نظر اقتصادی وضعیت نسبتاً مناسبی یافت و بازار علم و هنر نیز در شهر گرم بود و اهمیتی که مغول‌ها برای تجارت و ایجاد امنیت و ثبات در مسیرهای تجاری قائل بودند، بت به استپ‌نشینان قبلی بیشتر، و یکی از مهمات مورد نظر چنگیز رونق بخشیدن به راه‌های بازرگانی بود. تسلط مغولان بر بخش عظیمی از آسیا، تجارت را به‌عنوان یکی از شیوه‌های دیرپای معیشت ساکنان آن اهمیتی دوچندان بخشید و زمینه‌های رشد و رونق آن را فراهم نمود.

راه‌های تجاری درون مرزی: براساس تقسیمات کشوری زمان ایلخانان، مسیر تجاری داخلی این عهد را به صورت زیر بررسی کرد:

راه‌های تجاری عراق عجم: این راه از سلطانیه به ساوه، ساوه به آوه، آوه به قم، قم به کاشان و کاشان به اصفهان می‌رسید و از اصفهان به سمت شیراز و سواحل جزایر خلیج فارس ادامه می‌یافت (حافظ‌ابو نعیم، ۱۳۷۷: ۸۴).

راه مسیرهای تجاری عراق عجم، کرمانشاه و عراق عرب: راه بغداد به اصفهان: این راه از بغداد آغاز می‌شد و پس از عبور از یکی دو شهر کرمانشاه، به تومان همدان در عراق عجم می‌رسید. از همدان به سمت نهاوند می‌رفت و سپس به طرف «بروجرد» در تومان لر کوچک امتداد می‌یافت. در ادامه به کرج ابودلف می‌رسید و آنگاه از طریق تومان قم و کاشان به تومانین اصفهان می‌رسید. فاصله این راه از بغداد تا اصفهان ۷۵۱ فرسنگ بود. این جاده در حد فاصل تومان قم و کاشان تا اصفهان مسیرهای دیگری نیز داشت و از چند سوی به اصفهان می‌رفت. راه سلطانیه به نجف: این جاده در بیشتر مسیر با راه بغداد - اصفهان یکی بود (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۶۸).

راه‌های ارتباطی فارس و عراق عجم: راه اصفهان به شیراز: اصفهان به مهبیار، قومه (قمشه) و یزدخواست می‌رسید از یزدخواست دو مسیر تابستانی و زمستانی داشت و از دو سمت به سوی شیراز امتداد می‌یافت.

راه‌های تجاری کرمان: راهی که از کرمان به یزد و دیگر مناطق عراق عجم می‌پیوست. این راه از شهرهای شمالی کرمان که جزو مناطق سردسیر این ایالت محسوب می‌شد، می‌گذشت و از راه بافق به طرف یزد می‌رفت و در ادامه به راه ارتباطی شیراز - اصفهان می‌پیوست و بدین ترتیب با فارس و عراق عجم مربوط می‌شد (حافظ ابو نعیم، ۱۳۷۷: ۸۴).

۳- سیر و تحول معماری سلجوقی به ایلخانی

معماران دوره ایلخانی نقشه‌ها و مصالح و روش ساختمانی دوره سلجوقی را اقتباس کردند این سیر تکامل را می‌توان چنین بیان نمود که در معماری ایلخانی اهمیت زیادی به عمودیت و ظرافت اشکال منتخب داده شده است و با مقایسه با آثار سلجوقی نسبت اطاق‌ها تغییر داده شده و اطاق‌ها از نظر بلندی، نسبت به اندازه افقی شان بلند شده‌اند. ایوان‌های دوره سلجوقی پهن و بزرگ است، در صورتی که در دوره ایلخانان ایوان‌ها باریک و مرتفعتر شده‌اند و ستونچه‌های گوشه یه تعداد زیادتر نزدیکتر به هم قرار گرفته و خطوط باریکتر دارند و قدرت ساختمانی بنا عمدتاً تمرکز داده شده است و دیوارهای ضخیم ایوان دوره سلجوقی جای خود را به دیوارهایی داده‌اند که فاصله یا پنجره دارند. حد فاصل خارجی و داخلی دیواره‌ها و جرزها در عمیق کار شده و به همین جهت دیوارهای ضلعی نازک و جرزهای سنگین گوشه‌ای به وجود می‌آورد. داخل شبستان را به همان ترتیب سلجوقی نازک می‌ساختند و فقط نقاطی را که تمام سنگینی گنبد بر روی آن بود، ضخیم می‌ساختند.

نوع قبه و شکل گنبد سلجوقی ادامه پیدا کرده است و قبه‌های مقرنس رونق بیشتری پیدا کرد. در دوره سلجوقی قبه‌های مقرنس برای از میان بردن نیم طاق میانی به کار رفت، و بیشتر جنبه تزئین داشت (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۷).

در دوره ایلخانان عناصر و جزئیات ساختمانی با ظرافت بیشتری از دوره سلجوقی ساخته می‌شد. برخی فنون جدید تر این دوره عبارتند از:

۱. تغییر نسبت ارتفاع و عرض اطاق‌ها: از سطح زمین تا رأس گنبد فاصله به نسبت عرض داخلی اطاق زیادتر از بناهای دوره سلجوقی است.
۲. ترکیب نمای ایوان: وجود ایوان بلند سر در که یک جفت مناره بلند در طرفین آن قرار داشت، زاق‌های بزرگ سلجوقی تبدیل به طاق بلند گردید همانند مسجد اشترجان و نطنز.
۳. افزایش بلندی ساختمان‌های گنبد شکل
۴. افزایش ارتفاع مقبره‌های برجی
۵. ترکیب‌های باریک: محراب‌های این دوره همانند سلجوقیان اند اما برخی از لحاظ تناسب باریک‌ترند.
۶. باریک جلوه دادن جزئیات ساختمان

۴- ویژگی‌های معماری دوران ایلخانی

آثار ساختمانی دوره ایلخانی مرحله‌ای از تاریخ پیوسته معماری ایران است و اشکال و فرم‌های دوره قبل و خصوصیات طرح و جزئیات آنها را منعکس می‌کند. سبک معماری دوره ایلخانی مستقیماً از سبک آثار ساختمانی دوره سلجوقی اقتباس شده است. معماری سلجوقی و ایلخانی از حیث اوضاع و شرایط بروز و ظهورشان با هم شباهت دارند. در دوره سلجوقیان و همچنین در دوره ایلخانان، ساختمان‌های دینی از قبیل مساجد، مدارس و زیارتگاه‌ها و مقابر بر ساختمان‌های غیرمذهبی رجحان داده شده است. این، نشانه کامیابی اقتصاد آن زمان است. در دوره سلجوقی معماری و طراحی در مرحله آزمایش بود، در صورتی که در دوره ایلخانان، مسئله عمده، تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی و تزئینی موجود بود. کوشش سلجوقیان بیشتر در ساختمان‌هایی از نوع مسجد متمرکز گردیده بود، که در قرون اولیه قبل از اسلام در ممالک مختلف و نواحی اشغالی به صورت خاصی بروز کرد و در ایران با عوامل و عناصر معماری ساسانی قبل از اسلام ترکیب شد و شکل مشخص ایرانی به خود گرفت (بلر، بلوم، ۱۳۹۱: ۱۵).

معماران دوره ایلخانی، همه نقشه‌ها و مصالح و روش ساختمانی دوره سلجوقی را اقتباس کردند. مقبره برخی در معماری سلجوقی اهمیت داشت و در دوره ایلخانان از آنها به عنوان الگو استفاده شد. با در نظر گرفتن اینکه، دوره سلجوقی تقریباً از نظر زمان و تعداد سال با دوره سبک رمانتیک، و در دوره ایلخانی با سبک گوتیک مطابقت دارد، ولی در معماری ایران چنان انقلابی در فکر و شکل (فرم) به وجود نیامد تا سبک رمانتیک را به گوتیک منتهی گرداند. این تداوم سبک به گونه‌ای است که می‌توان گفت معماری سلجوقی شکل ابتدایی سبک ایلخانی بوده و در طی یک دوره سیصد ساله، معماری در ایران، سیرمنظم تکامل را طی کرده است (ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۰).

ایلخانان تا اواخر دوره فرمانروایی خود به معماری، عنایت چندانی نشان ندادند؛ به عبارت دیگر، اقدام آنان محدود به صدور احکام و فرمان‌هایی بود که وزرای آنان تهیه می‌کردند. این فرمانروایان تا اواخر دوره ایلخانی فقط مدتی محدود در کاخ‌های شهری خود به سر می‌بردند و در عوض دربار خود را به اقتضای فصل در جلگه‌های گرمسیر و دامنه‌های کوهستانی سردسیر برپا می‌داشتند و در زیر چادرها و خیمه‌ها و یا در آلاچیق‌ها می‌آرمیدند. به هر حال، آخرین فرمانروایان این سلسله، رغبت شخصی بسیار زیادی به طرح نقشه و ایجاد ابنیه تاریخی مهم ابراز داشتند و این موجب شد که در سبک معماری سراسر ایران زمین، وحدتی کلی به وجود آید و در ساختن این بناهای عظیم از نقشه‌های ساختمانی آن روزگار، ولی به مقیاس وسیعتر از همه کوشش‌های روزگار پیشین استفاده شد. عظمت بناهای ایجاد شده در تبریز و سلطانیه، این نیاز را پیش آورد که هنرمندان و معماران خبره از سراسر کشور به کار دعوت شوند. بدین ترتیب، تمام معماران و کاروزان و استادکاران از فنون و رموز همکاران خویش آگاه گشته و هنگامی که بناها کامل گشت و آنان به دیار خود باز گشتند، مهارت‌های پیشرفته‌تر زمان خود را در احداث بناهایی دیگر به کار بستند. بدین ترتیب، حتی پس از برافتادن قدرت ایلخانان، سبک عالی معماری این دوران از میان نرفت بلکه در ایالات و گوشه و کنار مملکت دوم یافت و گسترده شد و زمینه را برای فعالیت‌های ساختمانی دوره تیموری فراهم ساخت (اتینگهاوزن، گرابار، ۱۳۹۱: ۳۷۴).

۵- ویژگی بناهای دوره ایلخانی

آثار معماری در دوره ایلخانی به دو دسته مذهبی و غیر مذهبی تقسیم می‌شوند.

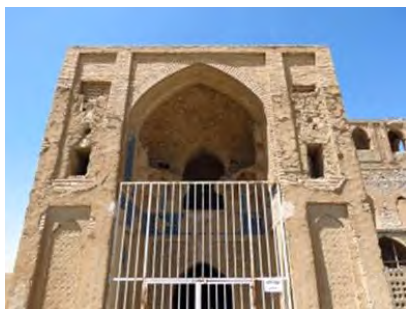
بناهای مذهبی: مسجد، مقابر، مدارس و غیر مذهبی: خرابه‌ها کاخ‌ها، کاروانسرا، و....

در ادامه به ویژگی خاص بناهای ایلخانی که در مساجد مقابر مدارس و غیره مشترک است اشاره می‌نماییم:

سه نوع عمده ابنیه مذهبی به اشکال مختلف دیده می‌شوند. از جمله مسجد و مدرسه یا نقشه کلی و واحد «استاندارد» دارند یا نقشه خاص و متنوع «غیر استاندارد» دارند (نیلفروشان، ۱۳۹۲: ۹۰).

با توجه به اینکه آثاری از دوره ایلخانی باقی مانده و نواحی شهری هم زمان با آن ها از میان رفته است، به همین جهت نمی‌توانیم به طور قطع از رابطه ی اینبه اطلاع دقیق داشته باشیم.

- توجه به بنای داخل و تزئین داخل بنا بیشتر از بنای خارجی: همانند نطنز که چند متر از نمای مشرف به خیابان تکمیل شده و تنها سردر و مدخل اصلی تزئین شده است، همچنین مسجد جامع اشترجان دارای یک دیوار گلی در سمت خیابان می باشد.
- سبک ساسانی در معماری ایلخانی: بنای تک ایوانی پیر بکران، از نظر سبک معماری شبیه به معماری دوره ساسانی و یادآور طاق کسری است، ولی طاق ایوان این دوره به جای این که مانند طاق‌های دوره ساسانی هلالی باشد، نوک دار است (بررسی نگارنده).



تصویر ۲- ایوان بقعه پیربکران

در مسجد کاج نیز آثار خشتی بنایی بررسی شده که به، بقایای مسجدی از قرن اول هجری مربوط بوده و دارای مشخصات معماری ساسانی است (بررسی نگارنده).

همانند نطنز که با مسیر خیابان نامنظمی که قبلاً وجود داشت مطابقت داشت. مسجد اشترجان که سردر اصلی مستقیماً کوچه‌های باریک باز می‌شد. امام زاده باباقاسم در یک زاویه غیر معمولی در تقاطع دو کوچه باریک به هم متصل می‌شوند.

- اهمیت به سر دری که به خیابان باز میشود و گذاشتن دو مناره اطراف آن همانند اشترجان و منار دردشت اصفهان.
- عدم وابستگی مساجد به بازار در دوران ایلخانی
- ایجاد ارتفاع در ساختمان‌های مهم

در ساختمان‌های مهم معمولاً محل مرتفع ترجیح داده می‌شد، در بسیاری موارد هر جا که یک ساختمان قدیمی همسطح با خیابان زمان خود ساخته شده، اکنون در پایتخت از خیابان فعلی قرار دارد مانند: نطنز، امام زاده بابا قاسم، مدرسه امامی.

اما ساختمان‌هایی با ارتفاع زیاد هنوز یک یا چند متر بالاتر از سطح نزدیکترین خیابان‌های جدید قرار دارند، همانند: پیربکران، کاروانسرای سین.

- تزئین پس از زیرکاری بنا: قسمت‌های تزئینی اغلب بعد از اتمام زیرکاری بنا انجام می‌گرفت، همچنین برخی بناها دیده می‌شود که تزئینات آنها هرگز به اتمام نرسیده است همانند: کاروانسرا سین، مسجد دشتی، مسجد ابران (بررسی نگارنده). آثاری که تزئینات مفصل و پرکارتر دارند احتمال می‌رود که برای انجام و اتمام قسمت‌های تزئینی وقت بیشتری لازم بوده تا برای زیر سازی خود بنا، همانند سردر مدخل مسجد نطنز تاریخ ۱۳۰۴ را دارد و یکی از ایوان‌های صحن تاریخ ۱۳۰۹ را دارد.
- مسئله عمده در معماری ایلخانی تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی می‌باشد.

۶- مدارس در دوره ایلخانی

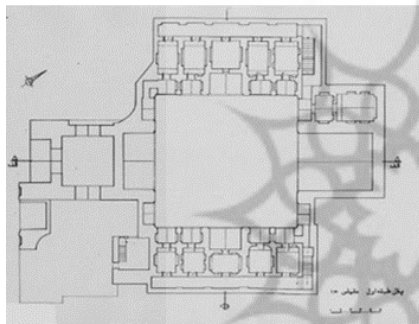
اصفهان تا پیش از دوره اوج شکوه و بالندگی‌اش در عهد پادشاهان صفوی (که متأسفانه تا اندازه زیادی، بر دیگر اعصار تاریخی این شهر اثر گذاشته است)، چندین بار مرکزیت سیاسی و به تبع آن مرکزیت علمی ایران زمین را از سر گذرانده است. اصفهان در دوره حاکمان آل زیار و آل بویه و به ویژه سلاجقه بزرگ، دار الملک و دار السلطنه بود. عمل به علاوه وجود وزرای دانش‌مند و فضل‌پروری همانند صاحب بن عباد، ابن سینا و خواجه نظام الملک توسی، سبب گردید که شهر اصفهان، کانون آمد و شد علما، فضلا و ادبای عصر قرار گیرد. این امر مستلزم ایجاد مراکزی بود تا دانش‌مندان اصفهانی و یا مقیم اصفهان، بتوانند حلقه‌های درس خود را در آنجا تشکیل دهند. این مراکز علمی و آموزشی نیز به تدریج عمدتاً تحت حمایت و توجه وزرا و صاحبان قدرت ایجاد شد و حلقه‌های درس پررونقی در آنها شکل گرفت. نگاهی به فهرست دانش‌مندان و اهل علم و فضل و ادب که

حافظ ابونعیم اصفهانی و مافروخی در ذکر اخبار و محاسن اصفهان تا زمان نگارش کتابشان گرد آورده‌اند، جایگاه اصفهان را در میان کانون‌های علمی آن زمان روشن خواهد ساخت. این سابقه درخشان علمی به علاوه در امان ماندن نسبی آن از ویران‌گری‌های مغولان، سبب گردید این شهر در دوران ایلخانان، به یکی از کانون‌های نسبتاً امن برای دانش‌مندی تبدیل گردد که به ویژه نواحی شرقی‌تر برای آنان نامن بود (مستوفی، ۱۳۶۶: ۴۹).

به همین سبب در سراسر دوره ایلخانان، مدارس متعددی در این شهر بنا گردید که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- مدرسه سلطان جلال الدین منکبرنی
- مدرسه سید رکن الدین یزدی
- مدرسه بابا قاسم (امامیه)
- مدرسه جعفریه
- مسجد جامع اصفهان (مدرسه مظفری) (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۹)

ساختمان مدارس در نقشه استاندارد و غیر استاندارد دسته بندی شده اند: نقشه مدارس شبیه به معماری مساجد میباشد، ویژگی پلان مدارس به صورتی است دارای حیاطی در وسط، چهار ایوان و اتاق‌هایی بود که حجرات طلاب بوده اند، مدارس سبک مساجد و کاروان سراهای آن زمان ساخته شده است، و به جای شبستان در یک یا دو طبقه هجره‌هایی جهت سکونت طلاب داشتند؛ همانند: مدرسه بابا قاسم که ساختمان این مدرسه که از قدیم‌ترین مدارس موجود طلبه‌نشین اصفهان است که مذهب، دو طبقه دارد و طبقه دوم نیز دارای حجراتی است. این مدرسه هنگامی ساخته است که مذهب سنت در اصفهان رواج داشته و سپس در عصر صفویه، تزئیناتی به آن اضافه شده است که در آن تزئینات، آثار تشیع دیده می‌شود. وجه تسمیه آن به امامیه نیز شاید به این دلیل بوده که این مدرسه از زمان صفویه به بعد، مرجع طلاب امامیه بوده است (کیانی، ۱۳۹۳: ۶۷).



تصویر ۳- مدرسه بابا قاسم (امامیه) اصفهان

همچنین مسجد جامع اصفهان (مدرسه مظفری)، با طرح مستطیل شکل به ابعاد ۶۵ × ۲۵ متر، در ضلع شرقی مسجد جامع واقع شده و مشتمل بر صحن مستطیل شکل کشیده با ایوان و صفه‌ای در ضلع جنوبی و در اصل با ایوان و صفه‌ای قرینه آن در شمال «که از بین رفته است» و تاق‌نماهای دو طبقه در سمت شرقی و غربی «که بخش‌هایی از آنها نیز ویران شده است» می‌باشد و مدخل‌های مختلف از خارج و از واحدهای مجاور مسجد به داخل آن راه می‌یابد (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۷۱).

۱-۶- مدرسه سلطان جلال الدین منکبرنی

این مدرسه را جلال الدین منکبرنی در سال ۲۲۶ هجری با هزینه سه هزار دینار تأسیس کرد. جلال الدین خوارزمشاه پس از بازگشت از هند، توانی تازه گرفت و اصفهان دوباره رونقی موقت یافت. وی دستور داد تا این مدرسه را بسازند و کسانی را فرستاد تا استخوان‌های پدرش را از جزیره آبسکون به اصفهان آورند تا آن مدرسه را آرامگاه خاندان خوارزمشاهی سازد.

۲-۶- مدرسه سید رکن الدین یزدی

این مدرسه در قرن هفتم هجری به همت سید رکن الدین یزدی، در بازار خواجه محمود در اصفهان ساخته شد و دار الحدیث، دار الکتب و دارالادویه را شامل می‌گردید، ولی اکنون اثری از آن نیست. این مدرسه دارای موقوفات زیادی نیز بود؛ مانند تمام بازار خواجه محمود، حمام مردانه متصل به این مدرسه و چندین باب دکان دیگر.

۳-۶- مدرسه بابا قاسم (امامیه)

یکی از باباهای معروف اصفهان بابا قاسم اصفهانی است که مزارش پس از چند قرن زیارتگاه مشهوری به شمار می‌رود. وی در قرن هشتم زندگی می‌کرد و از مردمان عارف و سالک در راه حقیقت بود. یکی از مریدان معروف او به نام سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی، مدرسه‌ای برای سلطان بابا قاسم اصفهانی در سال ۵۲۷ هجری ساخت و بابا قاسم در آن مدرسه مشغول به تدریس شد.

۴-۶- مدرسه جعفریه

در جنب بقعه جعفریه یا امامزاده جعفر اصفهان که از آثار دوره حکمرانی ایلخانان مسلمان و به سال ۵۲۷ هجری مربوط است. مدرسه‌ای بزرگ بوده که حجرات و کاشی‌کارهای شگرف و زیبا داشته است. بنای این مدرسه در قرن یازدهم هجری، هنوز آباده و طلبه‌نشین بوده است (حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۷- مساجد

مساجد در قرون اولیه اسلام در اصل صحنی داشت که در یک یا چند سمت آن ساختمان می‌شد. در این نوع بنا توجه طبعاً به داخل ساختمان بود. دیوارهای خارجی ساده و لخت یا به واسطه ساختمان‌های مجاور از نظر پنهان بود و همه اهمیت و تأثیر معماری به داخل ساختمان منحصر می‌شد. معماری دوره سلجوقی تحول تدریجی الگوی این مساجد است. ولی وحدت ترکیب در این نوع مسجد در اواخر این دوره صورت یافت (هیلن براند، ۲۰۰۴: ۱۹۴).

ساختمان مساجد یا نقشه استاندارد که مهان نقشه دوران سلجوقی است را دارد یا غیر استاندارد:

ساختمان مسجد با نقشه کلی و واحد «استاندارد» اگرچه در زمان سلجوقیان آغاز شد، ولی تا بعد از پایان قرن چهاردهم که دوره آثار تیموری و صفوی است عمومیت نیافت. نقشه کلی مسجد عبارتند از محور طولی بنا سر در ایوان قرار دارد که جلوی آن صحن باز مواقع است؛ طاقناهای دور صحن به چهار ایوان ختم می‌شوند که دو ایوان در محور طولی و دو ایوان در محور عرضی قرار دارند و شبستان‌ها در پشت طاقناها واقع اند. ایوان اصلی در محور طولی مسجد و روبه روی ایوان ورودی، که سوی دیگر صحن است، قرار دارد و به شبستان مربع شکلی باز می‌شود که گنبد دارد و در دیوار انتهایی آن، در انتهای محور طولی مسجد، محراب واقع است، در دوران ایلخانی اصفهان مساجد **اشترجان و مسجد نطنز** دارای این نقشه معین و کلی‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۶۵).

برخی مساجد نیز دارای نقشه خاص (غیر استاندارد) هستند همانند مسجد کاج، گنبد آزادان، دشتی، ازبیران،

در همه این مساجد ایوان و شبستان مربع شکل گنبد دار وجود دارد.

در مسجد دشتی یک خط افقی دور شبستان، در حدود یک متری بالای رده ای که طاق ازن شروع می‌شود، پیدا شده که آجرهای بالای آن از لحاظ اندازه و رنگ با آجرهای زیر اختلاف دارند.

مسجد کاج، تغییرات مشابه در مصالح و طریقه‌ی کار مشاهده می‌شود و در نقطه‌ای زیر رده‌ی انتقالی به طاق، آجرکاری مفصل و پرکارسطوح داخلی، جای خود را به آجر کاری معمولی که آجرهای رنگ روشن تر و اندازه کوچک تر دارند، داده است. در مسجد ازبیران نیز در پایه‌ی رده‌ی انتقالی، شکستگی در بنا دیده می‌شود.

- مسجد جامع اصفهان

- مسجد دشتی

- مسجد کاج

- مسجد جامع اشترجان

مسجد جامع اشترجان به استناد کتیبه‌های تاریخی آن، در سال ۷۱۵ به دستور خواجه فخرالدین محمدبن محمودبن علی اشترجانی ساخته شده است این مسجد یکی از نمونه‌های نفیس معماری ایلخانی از اواخر سلطنت محمد خدابنده (اولجایتو) به شمار می‌آید.

مسجد ایلخانی، مکمل مسجد کهن تری است که در بازسازی‌ها و دگرگونی‌ها بخش‌های بسیاری بر آن افزوده شده است. هنگام تعمیر بنا در ۱۳۳۳ شمسی در کتیبه‌ای آجری به سبک کتیبه‌های دوره سلجوقی در زیر تزیینات ایلخانی نمای خارجی سر در شمالی آشکار شد. از تحولات بعدی بنا اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی به استناد کتیبه‌ای به زبان فارسی در شبستان شرقی بنا، قسمت شرق و غرب مسجد ایلخانی و در حکومت ابوالنصر حسن بهادرخان با پشتیبانی مالی شخصی به نام کمال‌الدین اسماعیل بن ظهیر الدین ابراهیم اشترجانی تعمیر شده است (هنرفر، ۱۳۵۳: ۹).

از میان کسانی که از مسجد جامع اشترجان یاد کرده‌اند، باید از این بطوطه نام برد که آن را در ۷۲۷ قمری، دیده و در سفرنامه‌اش از آن به عنوان «مسجدی زیبا که آبی از وسط آن می‌گذرد»، یاد کرده است جویی که این بطوطه بدان اشاره کرده، در حال حاضر در خارج مسجد و در مقابل سر در شمالی آن جریان دارد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۹۹).

این بنا از خشت و آجر ساخته شده، و در دیواری از خشت محصور گشته است. مسجد دارای دو ورودی است.

سردر اصلی مسجد جامع اشترجان از اهمیت ویژه‌ای در سیر تحول معماری ایران برخوردار است. تأکید بر ورودی اصلی و ساختار ایوان آن با مناره دوگانه و گرایش به ارتفاع در این قسمت از بنا از دوره سلجوقی آغاز شده بود. یکی از اولین نمونه‌های شناخته شده از این نوع ایوان ورودی در مسجد سلجوقی امام حسن اردستان باقی مانده است. ساختمان سردر باقی مانده از مسجد نظامیه ابرقو، سردر موسوم به دو منار «دردشت» اصفهان، مناره‌های فروریخته سردر مسجد جامع کرمان، سردر مسجد جامع یزد و نیز ایوان ورودی مسجد امام اصفهان نمونه‌هایی هستند که از قرن ۸ قمری به بعد این روند را ادامه دادند (هنرفر، ۱۳۵۳: ۱۰).



تصویر ۴- مسجد جامع اشترجان

۷- مقابر دوره ایلخانی

مقبره‌های دوره ایلخانی نیز به سبک دوره سلجوقی بنا شده‌اند، مقابر دارای دو دسته اند یک مقابری که شبستان مربع شکل زیر گنبد قرار دارد و دسته دیگر مقابر برجی شکل که به اشکال مربع، مدور، چند ضلعی و هشت ضلعی ساخته شده و تفاوت آنها با شبستان‌های گنبد دار ارتفاع خیلی زیاد تری است که نسبت به ابعاد کلی بنا دارند و اینها را می‌توان به ساختمان‌های گنبد دار و ساختمان‌هایی که گنبد چند وجهی خیمه وار و یا سقف مخروطی دارند تقسیم نمود. در همه مقابر بر روی یک اتاق مقبره یک گنبد داخلی دیده می‌شود و جنبه دینی آنها از آنجا معلوم می‌شود که متجاوز از نصف آنها محراب دارند، در میان مقابر جسد یا در تابوتی سنگی و منقش که در مرکز اطاق قرار دارد، دفن شده است یا در دخمه طاقداری که در زیر اطاق قرار دارد و از گوشه‌ای از ساختمان به آن راه می‌توان یافت.

عمر برخی قبرهای ایلخانی از خود قبرستان‌ها بیشتر بوده و اکنون در وسط باغ‌ها یا زمینی که از قبر پاک شده قرار دارند. بناهایی که برای مصارف دیگر ساخته می‌شد معمولاً در نواحی آباد برپا می‌گردید و جهت معین و محور طولی داشت. جهت بنا در جهت معین محراب قرار داشت. طول بنا از سر ورودی تا محراب بود. گاهی محدودیت مکانی با رابطه لازم ساختمان جدید با ابنیه موجود، مستلزم آن بود که محراب در نقطه‌ای غیر انتهای محور طولی قرار گیرد، همانند پیر بکران (بررسی نگارنده).



تصویر ۵- مقابر با پلان مربع: مقبره بابا قاسم مربع با گنبد هشت ترک

۷-۱- مقبره بابا رکن الدین

یکی از مشایخ و علماء قرن هشتم هجری مسعود بن عبدالله بیضاوی معروف به بابارکن الدین است که در زمان سلطنت ابوسعید پادشاه مغول در اصفهان می‌زیسته است این مرد بزرگ در سال ۷۶۹ هجری قمری وفات یافت و در ساحل جنوبی زاینده رود مدفون گردید.



تصویر ۶- مقبره بابا رکن الدین پلان چند ضلعی

۸- سایر بناهای ایلخانی

۸-۱- مناره باغوشخانه

در شمال غربی محله جویباره اصفهان قرار دارد، با توجه به تزئینات و شیوه معماری زمان بنیاد آن را سده هشتم هجری و یادگار دوره ایلخانی می‌دانند. این مناره یکی از دو مناره‌ای بوده که در دو سوی مسجدی به نام **مسجد بابا سوخته** یا مصلی قرار داشته که جفت آن از میان رفته‌است. دلیل معروفیت این مناره به باغ قوشخانه مجاورت آن با باغ سلطنتی است که در آن پرنندگان شکاری پادشاهان نگهداری می‌شده است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۴۰).



تصویر ۷- مناره باغوشخانه

۸-۲- منارجنبان اصفهان

یکی از آثار تاریخی این شهر است که عارفی به نام «عمو عبدالله کارلادانی» در آن به خاک سپرده شده‌است. نکته قابل توجه درباره این بنای تاریخی این است که با حرکت دادن یک مناره، مناره دیگر نیز به حرکت و جنب و جوش می‌آید و لازم به ذکر است هر مناره دارای پهنای نه متری و بلندای هفده متری می‌باشد. این ساختمان با کاشی‌های لاجوردی رنگ به شکل ستاره چهار پر و اشکال دیگری به شکل کثیر الاضلاع فیروزه‌ای رنگ زینت یافته است. مناره‌های مسجد اشترجان، مانند منارجنبان اصفهان، که در سال ۷۱۶ بنا شده است، متحرک است.



تصویر ۸- منارجنبان

۹- نتیجه گیری

اصفهان با توجه به آنچه در این پژوهش گذشت از مهم ترین شهرهای دوران اسلامی و به خصوص سلجوقی بوده و همواره مورد توجه بوده است و در این دوره کالبد شهر شامل میدانی اصلی و بزرگ در میانه شهر بود که در اطراف آن کاخ‌ها و مسجد جامع و بازار قرار داشت، این شهر به لحاظ موقعیت تجاری و علمی از مهم ترین شهرها بوده و همچنین به لحاظ دفاعی. و با ورود به دوران ایلخانی از اهمیت این شهر کاسته شد. اما در خصوص معماری و ساخت و ساز بنا در این دوران تحولاتی ایجاد گردید که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

برخی تحولات معماری سلجوقی به ایلخانی:

۱. تغییر نسبت ارتفاع و عرض اطاق‌ها: از سطح زمین تا رأس گنبد فاصله به نسبت عرض داخلی اطاق زیادتر از بناهای دوره سلجوقی است.
۲. ترکیب نمای ایوان: وجود ایوان بلند سر در که یک جفت مناره بلند در طرفین آن قرار داشت، زاق‌های بزرگ سلجوقی تبدیل به طاق بلند گردید همانند مسجد اشترجان و نطنز.
۳. افزایش بلندی ساختمان‌های گنبد شکل
۴. افزایش ارتفاع مقبره‌های برجی
۵. ترکیب‌های باریک: محراب‌های ایلخانی همانند سلجوقیان اند اما برخی از لحاظ تناسب باریک‌ترند.
۶. ایوان‌ها: ایوان‌های دوره سلجوقی پهن و بزرگ است، در صورتی که در دوره ایلخانان ایوان‌ها باریک و مرتفع‌تر شده‌اند.
۷. در دوره ایلخانی دیوارهای ضخیم ایوان دوره سلجوقی جای خود را به دیوارهایی داده اند که فاصله یا پنجره دارند. در دوره ایلخانی داخل شبستان را به همان ترتیب سلجوقی نازک می‌ساختند و فقط نقاطی را که تمام سنگینی گنبد بر روی آن بود، ضخیم می‌ساختند.
۸. باریک جلوه دادن جزئیات ساختمان: دوره ایلخانان عناصر و جزئیات ساختمانی با ظرافت بیشتری از دوره سلجوقی ساخته می‌شد.
۹. قبه و گنبد: در دوره ایلخانی نوع قبه و شکل گنبد سلجوقی ادامه پیدا کرده است و قبه‌های مقرنس رونق بیشتری پیدا کرد.

منابع

۱. ابن بطوطه، (۱۳۷۰)، سفرنامه، ج ۱، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگاه.
۲. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. اصفهانی، حافظ ابو نعیم، (۱۳۷۷)، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نور الله کسائی، تهران: سروش.
۴. اتینگهاوزن، ریچارد، الگ، گرابرا، (۱۳۹۱)، هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۵. ایمانی، مجتبی، (۱۳۵۵)، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۶. بلر، شیلا، جاناتان، بلوم، (۱۳۹۱)، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۷. جابری انصاری، میرزا حسن، (۱۳۷۸)، تاریخ اصفهان، به اهتمام جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.
۸. حسینی یزدی، (۱۳۸۸)، جامع الخیرات، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
۹. دمشقی، شمس الدین محمد، (۱۳۵۷)، نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
۱۰. رجائی، عبدالمهدی، (۱۳۸۸)، «شهر اصفهان، از نگاه جغرافی نویسان مسلمان، (سده سوم تا هشتم)»، گنجینه اسناد، سال ۱۹، دفتر چهارم، صص ۵۵-۶۶.
۱۱. قزوینی، ذکریا، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، مصصح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
۱۲. کیانی، محمد یوسف، (۱۳۹۳)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت.
۱۳. مستوفی، حمد الله، (۱۳۶۶)، زهت القلوب، کوششگر محمد دبیر سیاقی، تهران: بی‌جا.
۱۴. مقدسی، ابو عبد الله احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالییم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۱۵. میرسید علی جناب، (۱۳۰۳)، الاصفهان، اصفهان: فرهنگ.
۱۶. مشکوتی، نصرت‌الله، (۱۳۴۹)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

۱۷. ویلبر، دونالد، (۱۳۷۴)، معماری ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. هنرفر، لطف الله، (۱۳۵۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: شفقی.
۱۹. هنرفر، لطف الله، (۱۳۵۳)، «پیربکران و اشترجان»، هنر و مردم، شماره ۱۳۸، صص ۲-۱۵.
20. Hiltenbrand, R. (2004). Islamic architecture. Translated from the English by Ayatollahzadeh Shirazi, B. Tehran : Rozaneh.

